

# اعلامیه شورای مرکزی

## نهضت آینده افغانستان

### در مورد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

۱۱ میزان ۱۳۸۸ مطابق ۳ اکتوبر ۲۰۰۹

روند افتضاح آمیز و پُرهیاهوی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به پایان خود نزدیک میشود. درامهٔ مضحکی که افغانستان را صحنهٔ تمثیل خود ساخته بود، جهانیان را شگفت زده ساخت چون نقاب از چهره های واقعی به اصطلاح «دموکراتهای افغانی!» مورد حمایت ناتو - امریکا برداشت. یک باره آهنگ تند تبلیغات ناتو که توجیه گر حضور صد هزار نظامی بیگانه در سرزمین افغانها بود، به کندی گرایید. مردمان کشورهای ناتو به حق سوال موجه بودن حضور سربازان شان را برای بقای نظامی تا این حد مورد انزجار خلق افغانستان، تا این حد غرق در فساد و تقلب و ریا و تا این حد قرون وسطایی و گره یافته با مافیای مواد مخدر، مطرح کردند. برای نخستین بار ذهنیت عامه در سراسر جهان خواهان عودت نظامیان به کشورهای شان شدند. راه اندازی انتخابات ریاست جمهوری برعکس انتظار مقامهای تصمیم گیرندهٔ ناتو، نی تنها نقطهٔ عطفی در توجیه استراتژی آنها نشد، بل، ماهیت یک نظام تحمیلی ضد دموکراتیک، غیر مردمی، دست نشانده و وابسته به منافع گروهی و فردی را آشکار ساخت.

رویدادی که قرار بود به تحکیم دموکراسی بینجامد، غیر دموکراتیک بودن خود و نظام حاکم را به اثبات رساند!

فرصت آن فرا رسیده است تا جنبش چپ افغانی با واقعیت بینی و خونسردی مجموع روند انتخابات و مسایل اتکایی این روند را مورد تحلیل قرار دهد و درسهای لازم را از آن استخراج نماید.

۱- انتخابات ریاست جمهوری، هشت سال حضور نظامی امریکا - ناتو را در افغانستان که زیر شعار دفاع از مردم افغانستان، مبارزه علیه تروریسم القاعده و طالبان و استقرار یک نظام دموکراتیک سازمان یافته است، در آزمونگاه تاریخ قرار داد. ناتو پس از تبلیغات سرسام آور در سطح جهانی، برگزاری کنفرانسهای بین المللی، سرازیر ساختن ده ها میلیارد دالر و عملیات گسترده نظامی در میهن افغانان به این انتخابات امید بسته بود تا بتواند بر بنیاد یک دستاورد سیاسی، تداوم حضور خود را در منطقه مؤجه، مثبت و رها بیبخش جلوه دهد. سران ناتو بیصبرانه در «دموکراسی افغانی» هاله تقدسی را جستجو میکردند تا باشد با گذاشتن آن بر سر، تصور ظلمانی را که در ذهنیت مردم افغانستان و خلقهای جهان نصیب گردیده است، رفع نماید. ولی تاریخ آنها را غافلگیر ساخت. امید بستن به نیروهای تاریک اندیش سیه کردار قرون وسطایی و اتکا به ساختارها و عاملان خونریز جهادی، بی توجهی به سنتها و نیروهای واقعی پیشرو، مترقی و ظلمت شکن و نادیده گرفتن مطالبات زنده گی مردم که با فقر و بینوایی دست و پنجه نرم میکنند، اشتباه های جبران ناپذیری بودند که پیامد آنها یک باره در افتضاح انتخابات ریاست جمهوری برملا شدند.

روند افتضاح آمیز انتخابات ریاست جمهوری، در واقع، شکست استراتژی ناتو در افغانستان است. اتکا بر جهادیان قرون وسطایی و چند تکنوکرات فاسد، پیامد دیگری جز این رسوایی نمیتوانست داشت.

۲- مردم افغانستان انتخابات ریاست جمهوری را یک فرصت مناسب سیاسی تلقی کرده، با **تحریم فعال** آن موضعگیری روشن سیاسی خود را ابراز کردند. خلق افغانستان با این اقدام هشیارانه و سنجیده شده سیاسی استراتژی و عملکرد ناتو را رد کردند، نظام حاکم برکشور و حاکمان فاسد آن را نا مشروع خواندند، حلقات سیاسی حاکم و گروه های حاضر در روند انتخابات را تجرید کردند و در مجموع انتخابات ریاست جمهوری را به **حیث وسیله اعلام مقاومت** در برابر هیئت حاکمه و حامیان جهانی آن به کار گرفتند.

نهضت آینده افغانستان بر بنیاد یک تحلیل عمیق سیاسی، **تحریم فعال** را سلاح مؤثر سیاسی مردم خواند و آنها را به این اقدام دعوت کرد. مردم افغانستان بر اساس تجارب هشت ساله از عملکرد حاکمیت و مجهز با برداشتهای عینی خود از ماهیت قهقرایی و

ضد مردمی نظام، از رفتن به پای صندوقهای رأی خود داری کردند. شواهد عینی گواهی میدهند که مردم پشت دروازه های مراکز رأی دهی می رفتند تا . . . از خالی بودن آنها اطمینان پیدا کنند! در شهر شش ملیونی کابل با وجود امنیت نسبی، به جز از منسوبین ارگانهای تحت امر دولت و شبکه های وابسته به آن، کمتر کسی به مراکز رأی دهی حاضر شدند! کابل باری دیگر نشان داد که گهواره مبارزات سیاسیِ دادجویان و آزادیخواهان است.

۳- بررسی موضعگیری و اقدامهای بازمانده های چپ دیروزی در روند انتخابات از اهمیت ویژه یی برای جنبش مترقی کشور برخوردار اند.

سازمانهای چپ راستین از جمله نهضت آینده افغانستان که به منافع زحمتکشان افغانستان و مصالح علیای کشور می اندیشند، با درک ماهیت نظام و نیرنگ ناتو، انتخابات را تحریم کرده، مردم را به **تحریم فعال** دعوت کردند.

حقانیت و درستی این موضعگیری از پی برگزاری انتخابات کاملاً ثابت گردید. افتخار عظیم تاریخی و وجاهت بزرگ سیاسی نصیب این سازمانها گردید. قطب چپ و مترقی با موضعگیری روشن طبقاتی و سیاسی، با افشا کردن ماهیت ارتجاعی و ضد دموکراتیک نظام جهاد سالاری تحت سیطره ناتو موقف پیشتاز خود را در مجموع حرکت کشور تقویت کرد و نشان داد که ظرفیت سیاسی ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک را بر محور خود دارد. نبودن این قطب در وضعیت سیاسی کشور، آشکار ساخت که وضعیت یکسره در اختیار ارتجاع قرون وسطایی و ناتو قرار دارد. یگانه راه برون رفت از این وضع، تقویت قطب چپ دموکراتیک است تا با راه یافتن آن در وضعیت سیاسی، چشم انداز تحولات واقعی به نفع مردم افغانستان و دموکراسی واقعی باز شود. تا زمانیکه چپ واقعی در وضعیت حضور نیابد، انتظار ایجاد هرگونه رخنه یی در سیطره ارتجاع قرون وسطایی و سیادت ناتو، بیهوده خواهد بود. چپ دموکراتیک افغانی باید راه برگزیده خود را که مبتنی بر دفاع از منافع انسان زحمتکش و متکی بر تحلیلهای دقیق عینی از جامعه است، با دلیری و هشیاری دنبال کند. افتخار و پیروزی در همین راه است!

برخی دیگر از بازمانده های چپ دیروزی مستقیماً در پیمانهای انتخاباتی با کاندیدان ارتجاع، جهاد و نماینده گان امریکا - ناتو شرکت جستند و گسست خود را از جنبش

مترقی و دموکراتیک کشور تسجیل کردند. گرداننده گان این گروه ها عمدتاً به منظور دست یافتن به مقامهای دولتی و کرسیهای حاکمیت کنونی به تعلقهای اندیشه‌ی‌ی و سیاسی دیروز شان پشت پا زدند. آنان حتی به حیث گدیهای تجملی دموکراسی این بار نتوانستند از بر افتیدن نقاب از چهرهٔ ضد دموکراتیک نظام جلوگیری کنند.

در کنار این دو موضعگیری، یکی از سازمانهای متعلق به بخش معینی از بقایای ح. د. خ. ا کاندیدی جهت اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری پیش کشید. محاسبهٔ گرداننده گان دست اول این سازمان هر چی بود ولی پیامدهای اقدام شان درس عبرت عظیمی برای جنبش است.

حزب د. خ. ا - حزب وطن با داشتن بیش از صد و هفتاد هزار عضو، در پیوند با قوتهای نظامی و سازمانهای اجتماعی و فرهنگی آن روزگار، بیش از پنجمصد هزار انسان آگاه، رزمنده و مترقی را در اطراف خود متشکل ساخته بود؛ میلیونها انسان زحمتکش زنده گی خود را با این حزب گره زده بودند. بیش از سه سال دفاع مستقلانه از حاکمیت دموکراتیک در برابر ارتجاع جهادی - جهانی، گواه بارز اعتبار و نفوذ آن حزب - دولت در بین مردم افغانستان بود.

شرکت کردن در انتخابات تقلبی، دستاویز ساختن بیمورد نامهای رهبران فقید ح. د. خ. ا - حزب وطن، عقبگرد اندیشه‌ی‌ی - سیاسی تا سطح پذیرش اصول و احکام ایدیالوژیهای قرون وسطایی به حیث بنیاد قوانین کشور و پشت پا زدن به برابری حقوق زن و مرد و ده ها ابلاغیهٔ عقبروانهٔ دیگر سیاسی، نتیجه‌ی‌ی جز شکست نمیتوانست داشت. «مطرح شدن به هر قیمتی» در بازار سیاست، نازل ترین ارزش این بازار است!

درسی که باید از این اقدام گرفت این است که پشت پا زدن به مواضع اصولی اندیشه‌ی‌ی و سیاسی، دمساز شدن با آهنگ سیاست ارتجاع و ناتو، به گروگان گرفتن ده ها هزار «حزبی» برای کسب یک موقف فردی یا گروهی هیچ گونه سودی برای تقویت روند جنبش دموکراتیک و مترقی ندارد. رفقای که خود را هنوز وابسته به آرمانهای آغازین ح. د. خ. ا میدانند باید از این اقدام درس بزرگ سیاسی بگیرند: **تنها نیرومند ساختن چپ واقعی افغانی راهگشای معضله‌های کشور است.**

۴- روند انتخابات نشان داد که سیادت سیاسی - نظامی یکسره در اختیار ارتجاع قرون وسطایی و مافیای مواد مخدر است. رویا رویی دو کاندید اول، صرف روی منافع فردی، گروهی و قومی میچرخد.

هیچ گونه اختلاف ایدیالوژیک - سیاسی در طرحهای آنها وجود ندارد. هر دو متعلق به ارتجاع قرون وسطایی اند و هر دو در برپا داشتن نظام غیر مردمی امروز فعال بوده اند. هر دو، نماینده گان قدرتهای خارجی و هر دو در تقلبهای گسترده دست داشته اند.

ابقای این یکی یا گزینش آن دیگر هیچ گونه تغییری در وضع کشور و زنده گی خلق افغانستان نخواهد آورد. بر اساس این واقعیتها نباید در بازی آنها شرکت کرد. باید هشیارانه متوجه بود تا مبادا آنان با سوء استفاده از موقفهای تصنعی که کسب کرده اند، کشور را به صحنه جنگهای وحشیانه بین الجهادی تبدیل کنند. کوچه های کابل هنوز خاطره تراژیدی حاکمان جهادی را از یاد نبرده اند. نیروهای مترقی و دموکراتیک باید به افشای بازی خطرناک و نامشروع بودن و تقلبی بودن موقفهایی که این دو کاندید احراز کرده اند بپردازند. راه اندازی دور دوم انتخابات بازی دیگری خواهد بود برای به دست آوردن یک دستاویز برای ابقای نظام و خاموش ساختن خشم ذهنیت عامه جهانی که دیگر دفاع از چنین نظام ضد دموکراتیک و قهقرایی را ناموجه می پندارد. نیروهای مترقی و دموکراتیک باید با موضعگیری روشن ماهیت دور دوم انتخابات را که به منظور «ترمیم» قلب گسترده احتمالاً راه اندازی خواهد شد، افشاء نمایند. هیچ اقدام تصنعی نمی تواند ماهیت نظام را دگرگون سازد.

با تأسف در صورتی که الترناتیف دموکراتیک هنوز شکل نگرفته است و نیروهای چپ و مترقی پراکنده اند، سیادت ارتجاع کماکان ادامه خواهد یافت. روند انتخابات نشان داد که هنوز ارتجاع کهن ساحة مانور قابل ملاحظه و امکانهای مالی - نظامی وسیع جهت حفظ موقف هژمونیک خود در اختیار دارد و هنوز هم مورد حمایت ناتوست.

**نکته بسیار مهمی که روند انتخابات برملا ساخت، فاصله گرفتن اکثریت عظیم مردم از جهادیان حاکم و تکنوکراتهای وابسته به آن است.**

نهضت آینده افغانستان یک بار دیگر به مبارزان واقعی چپ ، به دموکراتهای پیگیر و همزمان مدافع مردم افغانستان مراجعه کرده ، از آنها دعوت میکند تا با پیوستن شان به نهضت آینده افغانستان ، به تقویت چپ دموکراتیک پردازند و آن را به محور یک اتحاد گسترده سیاسی جهت تبارز یک الترناتیف دموکراتیک در برابر نظام مردود و تقلبی کنونی ، مبدل سازند. موضعگیری دقیق و متین نهضت آینده افغانستان در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر ماهیت پیشرو و مردمی آن را ثابت ساخت.

فصل جدیدی در پیکار و مبارزه دادخواهان افغان باز شده است ، باید از موضعگیری تاریخی خلق افغانستان در رابطه با طرد نظام موجود آموخت ، خود را به آن عیار ساخت ، منحرفان و معامله گران را در جنبش تجرید کرد و به تحکیم سنگر واقعی چپ دموکراتیک پرداخت. چنین است مضمون پر بار مبارزه رهایبخش در سنگر های دادخواهان جنبش مردمی افغانستان!

- افتخار به مردم افغانستان که باوجود چیره گی فقر و ظلمت ، به بیدادگران پاسخ قاطع تاریخی داد!
- افتخار به نیرو های واقعی جنبش مترقی کشور که با هشیاری کم نظیر نیرنگهای ناتو و گماشته گان افغانی آن را به موقع افشا کردند و موضع تاریخی « تحریم فعال » را به کرسی نشاندند !

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)